

اصول حاکم بر حقوق غیرمسلمانان در جامعه اسلامی با تاکید قانون اساسی

جواد علیایی^۱ - طیبه عارف نیا^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

چکیده:

جامعه اسلامی به‌عنوان یک جامعه دموکراتیک، رعایت حقوق عامه مردم با هر دین و آئین را در تمام شئون اجتماعی و سیاسی مورد تاکید قرار داده است. در جامعه اسلامی افرادی هستند که با دین و آئین و مذهب خود زندگی نموده و با سایر افراد جامعه روابط اجتماعی و فرهنگی دارند و به‌عنوان شهروندان جامعه اسلامی بنام اقلیت‌های دینی دارای احترام و حقوق بوده و در سیطره حکومت اسلامی تابع قوانین و قواعد خاص می‌باشند. حال این سوال مطرح است که چه اصولی بر حقوق غیرمسلمانان در جامعه اسلامی حاکم می‌باشد؟ این مقاله به بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال بوده و با نگاه به قانون اساسی کشور، اساس و مبنای رفتار آنها را مشخص می‌کند. این اصول خدشه‌ناپذیر مورد پذیرش اقلیت‌ها بوده و تخطی از آنها به‌عنوان یک جرم تلقی می‌گردد که قابل مجازات در محاکم قضایی می‌باشد.

واژگان کلیدی: حقوق اقلیت‌های دینی، اصول حاکم بر غیرمسلمانان، غیرمسلمانان در قانون اساسی

JPIR-2111-2008

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

غیرمسلمانان در جامعه اسلامی یا همان اقلیت‌های دینی، افراد جامعه اسلامی هستند که در کنار مسلمانان به صورت مسالمت آمیز زندگی می‌کنند. این افراد با توجه به آئین خاص خود و دستورات مذهبی رفتار می‌کنند و حقوق آنها محترم شمرده شده است. در کنار این آنها ملزم به رعایت قوانین و قواعد اسلامی هستند و یک اصولی در جامعه اسلامی حاکم می‌باشد که لازم‌الرعایه می‌باشد. دین اسلام و جامعه اسلامی دارای یک آموزه‌هایی است که در آن به شرافت انسانی ارج نهاده شده است. قرآن کریم کتاب آسمانی اسلام در خصوص حقوق عامه و منافع عموم جامعه تصب و تاکید داشته و اولویت را بر آنها دانسته است. رعایت حقوق انسانی به‌عنوان یک اصل مهم ولو اینکه در جامعه غیرمسلمان باشند یک موضوع حقوق اسلامی بوده و رعایت حقوق شهروندی را مورد تاکید قرار داده است. اقلیت‌های دینی در حقوق اسلامی در زیر مجموعه حقوق شهروندی مطرح شده است. پرسش اصلی این نوشتار، حول این مساله است که چه اصولی بر روابط غیرمسلمان در جامعه اسلامی حاکم می‌باشد؟ شکی در این وجود ندارد که دین اسلام بر سایر ادیان برتری ذاتی دارد. لذا فرد مسلمان بر غیر مسلمان ارجحیت دارد اما با این بیان که همه انسانها مخلوق خدا بوده و در انسانیت هیچ تفاوتی ندارند بلکه ملاک برتری طبق گفته قرآن کریم تقوا می‌باشد. در دولت اسلامی که بر اساس دستورات الهی و اسلام بنا نهاده شده است همه افراد جامعه با هر دین و آئین دارای یک حق و حقوق بوده و حاکمیت دینی بر اساس اصل «وفاداری» که از بنیان حاکمیت هر جامعه می‌باشد در اعطای امتیاز خاص به نفع اقلیت‌های دینی قائل باشد. در مرتبه اول اقلیت‌های دینی به‌عنوان یک انسان صاحب کرامت، دارای حقوق انسانی می‌باشند و در درجه بعدی بعنوان شهروندان غیر مسلمان دولت اسلامی بر اساس اصل آزادی حق انجام و عمل به آئین خود را دارا می‌باشند. اما در این میان مواردی و مسائلی وجود دارد که در بررسی و تبیین جایگاه حقوقی اقلیت‌ها در اسلام و جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار گرفته و به آنها بعنوان اصول حاکم ملاک عمل قرار گیرد. با این مقدمه بررسی اقلیت‌ها و کرامت ذاتی انسان نیاز به توضیح دارد، چرا که همه انسانها اعم از اقلیت‌ها و غیر اقلیت‌ها از کرامت ذاتی انسانی برخوردار می‌باشند.

در دین اسلام همه انسانها دارای فطرت و سرشت پاکی می‌باشند. فرضیه ما اینست که انسان‌ها در مرحله اول و ذات انسانی دارای کرامت و قداست می‌باشند و ملاک برتری و قرب الهی تقوا است. همچنانچه که قرآن کریم این موضوع را تاکید و یادآور می‌شود. با این وصف همه افراد جامعه در حکومت اسلامی دارای یک ملاک واحد که کرامت ذاتی انسانی می‌باشند اما به دلیل اختیار دین دیگری غیر از اسلام تابع یک اصول و قوانینی باید باشند که در جامعه

اسلامی ملزم به رعایت آنها می‌باشند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین خصاب به مالک اشتر می‌فرماید: "در عمق دل خویش مردم را دوست داشته باش چون آنها دو دسته اند: یا برادر دینی تو هستند و یا در خلقت مانند تو و یک انسان هستند". (فیض الاسلام، نامه ۵۳: ۹۹۳) از این سخن می‌توان برداشت کرد که اقلیت‌های دینی در درجه اول بعنوان یک انسان صاحب کرامت دارای حقوق انسانی می‌باشند و در درجه دوم بعنوان شهروندان غیر مسلمان در حکومت اسلامی می‌توانند بر اساس آئین و دین خود عمل نمایند مشروط به اینکه به پیمان و تعهد خود با حاکمیت پایبند باشند. بنابراین ضمن بیان کرامت ذاتی انسان به موضوع اصلی مقاله که اصول حاکم بر روابط با غیرمسلمانان پرداخته و سپس به بررسی و تاکید اصول قانون اساسی در مورد اقلیت‌های مذهبی پرداخته خواهد شد. حقوق و تکالیف غیر مسلمانان نیز در این مقاله مورد بررسی و پژوهش قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

با مطالعه در مورد سوابق حقوق اقلیت‌ها در میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در واقع، اولین سند عامی است که به صورت جداگانه به حقوق اقلیت‌ها می‌پردازد و علیرغم تغییرات زیادی که در بخش‌های مختلف میثاق صورت گرفت، پیشنهادات مربوط به اقلیت‌ها با استقبال فراوان روبه رو شد و تغییری در آن صورت نگرفت. (ترنبری، ۱۳۷۹: ۵۲) روح ا... شریعتی (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان (حقوق اقلیت‌ها در حکومت نبوی) بیان می‌دارد: پیامبر اسلام در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت‌ها را به نمایش گذارده‌اند و بدون شک الگوی رفتاری همه مسلمانان در این موضوع و موضوعات دیگر، نبی مکرم اسلام هستند. تاریخ رفتار پیامبر با اقلیت‌هایی که در پناه حکومت ایشان در مدینه یا اطراف آن می‌زیسته‌اند را ثبت و ضبط کرده است و بر ما است که این رفتار و گفتارهای ایشان را در روابط با اقلیت‌ها و قوانین کشوری مطابق بدهیم.

مصطفی فضائی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان (حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر) این‌گونه بیان می‌دارد: موجودیت و هویت اقلیت‌های مذهبی وابستگی کامل به حمایت از مذهب آنها و مظاهر آن دارد. مطابق قواعد حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در مقام عمل به تعهدات بین‌المللی حقوق بشری باید حقوق مذهبی اقلیت‌ها را مورد حمایت و احترام قرار دهند. اما فقه اسلامی پیش از و بدون نیاز به هر گونه پیمان و تعهد بین‌المللی، بر اساس قرارداد ذمه، حکومت و جامعه اسلامی را ملزم به رعایت حقوق اقلیت‌ها و حمایت‌های مؤثر از آنها کرده است.

ادبیات نظری

اقلیت‌ها و کرامت ذاتی انسان

انسان بعنوان مخلوق پروردگار عالم، صاحب همه کمالات بوده که بواسطه ایمان به خدا به فعلیت می‌رسد. لذا تقوا که ملاک برتری بین انسانها می‌باشد بواسطه ایمان به خدا بدست می‌آید. انسان از آن بعنوان خلیفه... از او یاد می‌شود و به مقامی نائل می‌گردد که مورد سجود ملائکه واقع می‌شود بواسطه ایمان به خدا می‌باشد. انسان فاقد ایمان و جدا از خدا، انسان واقعی شمرده نمی‌شود. (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۱۶-۱۱) در دین مبین اسلام حرمت کرامت انسانی دارای مصادیق زیادی می‌باشد. انسان بما هو انسان دارای شرافت بوده فرقی در دین و مذهب ندارد. از مولی الموحدین امام علی^(ع) نقل شده که فرمودند: «اما والله لو تئیت لی و ساده فجلست علیها لافتیت اهل التوریه بتوراتهم ... و افتیت اهل الانجیل بانجیلهم... و افتیت اهل القران بقرآنهم...» به خدا سوگند! اگر مسندی برای من آماده شود و بر آن بنشینم برای پیروان تورات به توراتشان فتوا می‌دهم و... برای پیروان انجیل به انجیلشان و برای اهل قرآن به قرآنشان... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۰۰) قرآن کریم با اشاره به کرامت ذاتی انسان چنین می‌فرماید: و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا سیر دادیم و از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آنان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم، برتری کامل» (اسراء آیه ۷۰) از طرفی دیگر خداوند ملاک اکرام و ارجمندی انسان را تقوی و ترس از خدا بیان داشته و می‌فرماید: یا ایّهاالنّاس إنّنا خلقناکم من ذکرواثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنّ اکرّمکم عند الله اتقاکم..» ای مردم! ما شما را از یک زن و یک مرد آفریدیم و شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید همانا ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. (حجرات، ۱۳) با توجه به آیات قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که دونوع کرامت وجود دارد: الف) کرامت ذاتی که انسان بما هو انسان دارای کرامت است. ب) کرامت ارزشی که ملاک آن تقوا و فضائل اخلاقی می‌باشد.

علّامه محمد تقی جعفری از این کلام امیرالمؤمنین نتیجه گرفته است: «انسان‌ها مالک گوهری ارزشمندتر از حق حیات هستند و آن، حق کرامت است که قابل سقوط و زوال نیست. ولی مشروط است به استفاده صحیح از تمامی قوا و ابعاد ایجابی در انسان» (مقالات المؤتمر السادس للفکر الاسلامی: ۱۵۸) نظام حقوقی اسلام میان خودی و غیر خودی فرق قائل نشده و همه را یکسان می‌داند. از بای مسئولیت انسانی، انسانها نسبت به ارزشمند هستند و اگر از این باب مسئولیت انسانی هم نخواهند به همدیگر کمک نموده و احترام بگذارند دین اسلام و

تکلیف دینی انسان را وادار به عمل معروف انسانی می‌نماید. مصداق این اعمال انسانی که ناظر به حرمت کرامت انسانی می‌باشد در تاریخ اسلام و گفتار و رفتار ائمه اطهار زیاد می‌باشد. با مطالعه بر روی متون فقهی و قواعد آن و تاریخ اسلام و رفتار پیشوایان اسلام این مهم بدست می‌آید که در نظام حقوقی اسلام حفظ کرامت انسان و توجه به حقوق انسانها و حقوق شهروندی برای اهل کتاب و اهل ذمه بسیار حائز اهمیت بوده و وضعیت حقوقی اهل ذمه، یک وضعیت حقوقی بسیار مستقل با امکان برخورداری از آزادی کامل دینی و عمل به آن در تمامی حوزه‌های اعتقادی، قانونی، زبان و فرهنگ می‌باشد. این موضوع بصورت صریح در کلام بعضی از اندیشمندان بزرگ ظهور دارد. پرفسور حمید... می‌گوید: "من در تاریخ برای یک خارجی شرایطی آزادتر و بهتر از وضعیتی که اسلام برای ذمی قائل شده، سراغ ندارم". (حمید...، ۱۳۸۰)

اصول حاکم بر روابط با غیر مسلمانان - غیر مسلمانان شهروند جامعه اسلامی

براساس انعقاد قرارداد و بستن یک میثاق با دولت اسلامی شهروندان غیر مسلمان بعنوان شهروند دولت اسلامی محسوب می‌گردند. فقهای اسلامی اصلی کلی در خصوص حقوق شهروندان غیرمسلمان ارائه کرده‌اند. براساس این اصل، تمامی حقوق و وظایفی که برای شهروندان مسلمان مشروع دانسته شده جز در چند مورد جزئی، برای شهروندان غیرمسلمان نیز به رسمیت شناخته می‌شود. این اصل در اصطلاح فقها به اصل «لهم ما لنا و علیهم ما علینا» شهرت یافته است. به عبارتی مسلمان و غیر مسلمان در اکثر موارد از نظر قانونگذار یکسانند و حقوق و تکالیف آنان برابر است. مواردی که این یکسانی را منتفی می‌کند در قبال موارد مشترک بسیار ناچیز بوده، پس فقها اصل را در قوانین، بر تساوی حقوقی مسلمان و غیر مسلمان قرار داده‌اند. از آنجا که هدف عالی دین اسلام، هدایت انسانها و رها کردن آنان از گرداب ضلالت و جهالت است و عقد قرارداد ذمه باغیر مسلمانان می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای معاشرت غیر مسلمانان با مسلمین، آشنایی با اخلاق اسلامی و عملکرد مسلمانان، رؤیت عدالت، رأفت و مدارای آنان تا بواسطه این امور زمینه مساعدی را برای پذیرش دعوت اسلام توسط آنان فراهم سازد. قرارداد ذمه، ضمن دادن شخصیت به افراد اقلیت آنان را از رعایت حقوقشان مطمئن می‌سازد و به ایجاد محیطی امن و یکپارچه و توأم با همدلی، همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم بین فرقه‌های مختلف مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی کمک می‌نماید.

امیر مؤمنان علی^(ع) در عهد نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: "وان عقدت بینک و بین عدوک عقده أو ألبسته منک ذمه فحط عهدک بالوفاء و اراع ذمتک بالأمانه و اجعل نفسک جنه"

دون ما اعصیت فإنه لیس من فرائض الله شیء (الناس) أشدّ علیه اجتماعاً مع تفرّق أهوائهم و تشتّت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهد". اگر با دشمنت پیمانی بستی یا برای او از ناحیه خود ذمه‌ای را قبول کردی (عهده‌دار شدی) در این حال بر پیمان خود وفادار باش و با امانتداری ذمه خویش را مراعات کن و خود را سپری در برابر آنچه به دشمن داده‌ای قرارده، پس از واجبات الهی چیزی که مردم بر آن بیشتر اجماع داشته باشند از بزرگ شمردن وفای به عهد نیست در حالی که امیال آنها مختلف و عقایدشان گوناگون است. (نهج البلاغه نامه ۵۳)

از آنجا که این افراد تحت ذمه و تبعیت حکومت اسلامی بوده‌اند، حکومت موظف به تأمین امنیت جانی، مالی و ... آنان در جامعه بوده و لازمه رعایت این حقوق، نیکی و احسان در حق آنان است. انعقاد پیمان با دولت اسلامی از طرف غیر مسلمانان باعث ایجاد تعهد الزام آور برای حکومت اسلامی شده و بر این اساس حکومت اسلامی باید پایبند به قرارداد و عهد خود باقی مانده و بر اساس اصل وفای به عهد تکالیف خود را تمام و کمال به انجام برساند و تخطی از آن جایز نمی‌باشد. با توجه به این موضوع از جمله اصول مهم در روابط مسلمانان با غیر مسلمانان، اصل وفای به عقود است که در کتاب و سنت مورد تأکید قرار گرفته و مسلمین به این امر تشویق شده‌اند.

قرآن کریم در مورد وفای به عهد و پایبندی به پیمان و قرارداد چنین می‌فرماید: الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقیموا لهم انّ الله یحب المتقین. جز کسانی که در مسجد الحرام با آنان پیمان بستید، پس تا زمانی که به پیمانتان وفادار ماندند شما نیز وفادار بمانید که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. (توبه آیه ۷) بر اساس آیات قرآن به وفای به عقود و پیمان‌ها تأکید شده و بطور خاص بر وفای به عهد و احترام قرارداد با غیر مسلمان مادامی که آنها قرارداد را نقض نکرده‌اند، تصریح شده است.

- پذیرش و مشروعیت اصل احسان به غیر مسلمانان در اسلام

احسان و نیکی به انسانها اعم از مسلمان و غیر مسلمان از اصول پذیرفته شده و مورد تأکید اسلام است. پیامبر (ص) می‌فرماید: کار نیک را برای اهلش و غیر اهلش انجام ده، چنانچه به اهلش نرسید. تو اهل آن بوده‌ای (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۵) مشروعیت احسان به غیر مسلمانان را می‌توان از کتاب و سنت دریافت.

امام صادق (ع) به اسحاق بن عمار فرمودند: "ای اسحاق ... چنانچه فرد یهودی با تو همنشین شد به خوبی با وی همنشینی کن". (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸۹) یکی از راه‌های تالیف قلوب و دعوت افراد غیر مسلمان به دین اسلام، متمایل کردن قلوب آنان به اسلام است و بهترین راه

برای رسیدن به این امر، احسان و نیکی به آنان است. سیره پیامبر و اهل بیت^(ع) در جامعه اسلامی در برخورد با غیر مسلمانان، مبتنی بر احترام به افراد و شخصیت انسانی آنان بوده است. احترام به شخصیت و عقاید افراد از موارد احسان و نیکی به آنها به شمار می‌رود.

غیرمسلمانان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در کشور جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورهای دنیا تابعینی دارد که اقلیت محسوب می‌گردند. در ایران برخلاف کشورهای دیگر که انواع اقلیت‌ها در آنها زندگی می‌کنند به دلیل اتکای حاکمیت بر مذهب، فقط اقلیت‌های دینی مورد شناسایی قرار گرفته و سایر قومیت‌ها با نژادها و زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف اقلیت محسوب نمی‌شوند. بر اساس سیاست‌های کلی و همچنین احترام به ادیان و مذاهب و مبارزه علیه تبعیض بر اساس دین و عقیده طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و موارد مهمی را برای اقلیت‌های دینی بیان نموده است. در قانون اساسی برای غیر مسلمانان و اقلیت‌ها حقوقی را برشمرده‌اند و ایشان را همانند یک شهروند جامعه اسلامی لحاظ کرده‌اند.

اصل منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها و رعایت حقوق آنان در حقوق بین‌الملل همانند حقوق داخلی، تنها با در نظر گرفتن ضمانت اجرایی برای تخلفات متعاهدان و تفسیر نکات مبهم امکان‌پذیر است. قبل از جنگ جهانی اول، حمایت از اقلیت‌ها و برابری آنان با اکثریت به صورت موردی و خاص مطرح بود و معمولاً این امر به دنبال معاهدات دوجانبه در واکنش به تعارضات مذهبی یا قومی صورت می‌گرفت. در این معاهدات آزادی انجام مناسک مذهبی و در برخی موارد خاص و نادر، آزادی بیان به رسمیت شناخته می‌شد. در موارد معدودی نیز به اقلیت‌ها اجازه می‌دادند در زندگی خصوصی خود، بدون محدودیت، زبان خویش را استفاده کنند. (Thamberry, 1995: 14) در این راستا قوانین و اسناد مختلفی در عرصه‌های بین‌المللی در جهت حمایت از انواع مختلف اقلیت‌ها وضع شدند که این اسناد در اغلب موارد تمام اقلیت‌ها را شامل می‌شوند. اما از لحاظ تاریخی حمایت از اقلیت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی ابتدا در مورد اقلیت‌های مذهبی مطرح شد. (Lerner, 1991: 7) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چند اصل در مورد اقلیت‌ها و حقوق آنها اشاره دارد که این‌گونه تصریح می‌کند:

اصل ۱۲: در اصل دوازدهم قانون اساسی تصریح می‌کند: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه

(ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه-ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

قانون اساسی ایران، بدون اینکه تعریفی از اصطلاح اقلیت به دست دهد در اصول ۱۳ (شناسایی اقلیت‌های دینی) و ۲۶ (فعالیت احزاب) و ۶۷ (سوگند نمایندگان مجلس به کتاب آسمانی) از این واژه استفاده کرده است. در اصل ۱۳ قانون اساسی ایران به آزادی انجام مراسم مذهبی تصریح شده و عملاً پیروان این سه دین با داشتن کلیساها، کنیسه‌ها و آتشکده‌های متعدد به افراد و اجتماع، مراسم و آئین‌های مذهبی خود را به پا می‌دارند. در این اصل تصریح می‌کند که: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند. با استناد به همین اصل قانون اساسی که حدود فعالیت‌های اقلیت‌ها مشخص شده است به دلیل قانونی بودن این گروه از اقلیت‌ها امکان اخذ مجوز نشریات مختلف برای آنها بلامانع می‌باشد. همچنین طبق همین اصل ۱۳ قانون اساسی پیروان اقلیت‌ها در مورد احوال شخصی مطابق مقررات آئین و مذهب خود عمل نموده و کلیه وقایع مدنی آنها از جمله ازدواج، طلاق و ارث که از وقایع شخصی به حساب می‌آید تابع اصول و قوانین مذهبی آنها می‌باشد. به موجب اصل فوق، هر یک از این اقلیت‌ها دارای آئین نامه‌های احوال شخصی مخصوص به خود هستند که کلیه امور مدنی را طبق آئین نامه خود عمل می‌کنند. آئین نامه احوال شخصی زرتشتیان ایران در ۶۹ ماده و ۱۱ تبصره در اریبهشت ۱۳۸۶ در چهارمین همایش سراسری نهادها و انجمن‌های سراسری ایران به تصویب رسید و به تایید اداره حقوقی قوه قضائیه رسید. همچنین آئین نامه احوال شخصی مسیحیان پروتستان ایران در ۲۹۵ ماده بر اساس قواعد و عادات مسلمة متداوله در کلیساها، توسط کمیته‌ای با شرکت نمایندگان کلیسا-های پروتستان تدوین شده و مهرماه ۱۳۸۷ به تصویب رسیده است. در مصوبه ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصی و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مجدداً تصویب گردید.

با استناد به اصل ۱۳ قانون اساسی که حدود فعالیت‌های اقلیت‌های دینی را در ایران مشخص می‌کند به دلیل قانونی بودن این گروه از اقلیت‌ها، لذا امکان اخذ مجوز نشریات مختلف برای آنان بلامانع می‌باشد. آئین‌نامه اجرایی جدید قانون مطبوعات که در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۷ هیئت وزیران تصویب شد و اصلاحاتی را بر آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن اعمال کرد. در ماده ۱۴ بیان می‌دارد: احزاب، سازمان‌ها و جمعیت‌های سیاسی

و اقلیت‌های دینی ایرانی در صورتی می‌توانند تقاضای صدور پروانه انتشار نشریه نمایند که اجازه فعالیت قانونی را دارا باشند. بر مبنای این قانون اقلیت‌ها مجوز نشر را دارند. منشأ اصل ۱۳ قانون اساسی را می‌توان در مبانی فقهی و قرآنی جستجو نمود. به موجب آیه ۲۵۶ سوره بقره برای غیر مسلمانان پذیرش دین اسلام اجباری نیست و بر این اساس، اهل کتاب ساکن در کشورهای اسلامی، مجاز به حفظ دین خود تحت حمایت دولت اسلامی هستند. (آریا منش، ۸۵: ۱۳۹۰)

با بررسی قانون اساسی کشور این نکته بدست می‌آید که همه ادیان و اقلیت‌های مذهبی دارای حق و حقوق و احترام بوده و همانند سایر شهروندان جامعه آزاد می‌باشند. این موضوع در قوانین عادی کشور نیز مورد تاکید می‌باشد. نمونه آن آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۸۰ اشعار دارد که هنگام پذیرش زندانی، دین رسمی او در برگه پرسشنامه، درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و رسوم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسئولین زندان، وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می‌گردد.

از مهمترین اصل قانون اساسی در خصوص رعایت حقوق اجتماعی اقلیت‌ها که آنرا تضمین می‌نماید، اصل ۱۹ قانون اساسی است. در این اصل چنین تصریح می‌کند: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. مشابه این اصل قانون اساسی در بعضی از اسنادهای مهم بین‌المللی نیز مانند: اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین منشور سازمان ملل و میثاق مدنی - سیاسی و اعلامیه - های حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی بیان شده است.

در اصل ۶۴ قانون اساسی نمایندگان اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده و مطابق این اصل، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هر کدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی خواهند داشت. علیرغم تعداد کم جمعیت اقلیت‌ها در کشور در مقایسه با کل جمعیت حدود ۸۰ میلیونی ایران تعداد ۵ کرسی مجلس به نمایندگان اقلیت‌ها اختصاص داده شده است. در حوزه فعالیت - های فرهنگی و اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران با اعطای حقوق و مزایای عام و خاص کمک‌های خوبی در جهت تسهیل این امور انجام داده است. اجازه فعالیت در عرصه‌های انتشار نشریه‌ها، دارا بودن مدارس اختصاصی، آزاد بودن در برگزاری مراسمات مذهبی، بازسازی اماکن مربوط به آنها، خروج از کشور و تدریس دروس دینی خود از امور است که دولت جمهوری اسلامی در جهت مراعات حال و حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی قدم برداشته است. نکته

بسیار مهمی که وجود دارد در کشورهای اروپایی که دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند به-خصوص کشور فرانسه که خود را مهد دموکراسی می‌داند؛ در قانون خود هیچ بودجه‌ای برای امور مذهبی از سوی دولتش پیش‌بینی نکرده است و این در حالی است این کشورها جمهوری اسلامی ایران را همواره مورد انتقاد قرار می‌دهند و به موضوع تبعیض و اختلاف قومی اشاره می‌کنند حال آنکه ضمانت رفع تبعیض و احترام به حقوق اقلیت‌ها همین قانون اساسی است که در آن چند اصل به این موضوع اختصاص دارد.

آنچه که مسلم است طبق قانون اساسی هیچ تبعیض و تفاوتی بین مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی کشور وجود نداشته و ندارد و حتی حکومت اسلامی ضامن حفظ و تامین منافع و حقوق شهروندی آنها می‌باشد. نمونه بارز این موضوع مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص برابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان است. این مجمع در جلسه ۱۳۸۲/۱۰/۶ لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص میزان دیه اقلیت‌های مذهبی را بررسی کرد که در این جلسه، مجمع با تایید نظر مجلس شورای اسلامی، رای به برابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان داد. این تبصره با استناد به نظر رهبر معظم انقلاب، مطرح و تصویب شد.

از حقوق مهم دیگر مورد تاکید قانون اساسی ایران، حق سیاسی است. حق مشارکت سیاسی در اسناد بین‌المللی هم به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: هر کس حق دارد در اداره عمومی کشور خود، خواه بطور مستقیم و خواه بواسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب شوند مشارکت کند. در اصل ۲۶ قانون اساسی اقلیت‌های دینی می‌توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند. همچنین در ماده ۴ قانون فعالیت احزاب، مصوب ۱۳۶۰ چنین آمده که انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد. به تشکل‌ها و سازمان‌های اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور مجوز داده می‌شود. طبق اصل ۱۵ قانون اساسی، نظر به اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی اعلام شده است؛ اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید فارسی باشد. این امر مانع از آزادی آموزش و تدریس زبان‌های دیگر نیست، زیرا به موجب اصل فوق، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی در مدارس آزاد است.

حقوق اهل ذمه در جامعه اسلامی

اهل ذمه به افرادی گفته می‌شود که به‌وسیله عهد و پیمانی تحت حمایت دائم حکومت اسلامی قرار گرفته و در برابر حکومت دارای حقوقی متقابل هستند. قرارداد ذمه تعهدی طرفینی است، یعنی اقلیت دارای حقوقی بوده و حکومت متعهد به مراعات آنهاست. همچنین آنها نیز باید وظایفی را در مقابل حکومت به عهده بگیرند. این موارد از جمله حقوق بین رعیت و والی است که به فرموده امام علی^(ع) از بزرگترین حقوقی است که خداوند برای هر یک بر عهده دیگری واجب کرده است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷: ۶۷۴) که غالباً مکتوب و مشخص بوده و ویژگی مهم آن لازم بودن و غیرقابل نقض بودن آن از طرف حکومت و عدم لزوم آن از طرف افراد است. به‌طوریکه افراد در صورت عدم تمایل به ادامه قرارداد، می‌توانند از تبعیت حکومت اسلامی خارج شده و از حمایت‌های آن صرف نظر کنند. لکن حکومت مادام که آنان مایل به بقای بر پیمان باشند، نمی‌تواند آن را یک طرفه نقض کرده و دست از حمایت آنها بردارد مگر اینکه آنان خود، پیمان را با اعمالشان نقض کنند.

محقق حلی در این خصوص می‌فرماید: اهل کتاب مادامی که به شرایط قرارداد ذمه پایبند باشند، مجازند به پایبندی بر دین خود و زندگی در کشور اسلامی ... چنانچه قرارداد ذمه را نقض کردند، امام آنان را به جایگاه امنی که خود می‌خواهند بر می‌گرداند. (محقق حلی: ۲۵۰)

اهداف حکومت اسلامی از عقد قرارداد ذمه

اما حکومت از عقد پیمان ذمه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ این اهداف عبارتند از:

۱. رساندن ندای اسلام و دعوت عملی

از آنجا که هدف عالی دین اسلام، هدایت انسانها و رها کردن آنان از گرداب ضلالت و جهالت است و عقد قرارداد ذمه باغیر مسلمانان می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای معاشرت غیر مسلمانان با مسلمین، آشنایی با اخلاق اسلامی و عملکرد مسلمانان، رؤیت عدالت، رأفت و مدارای آنان تا بواسطه این امور زمینه مساعدی را برای پذیرش دعوت اسلام توسط آنان فراهم سازد.

۲. اصلاح عقاید و اخلاق جوامع

ممکن است اقلیت‌ها پس از قرارداد ذمه و مراوده با مسلمین، دین اسلام را اختیار نکنند لکن از آنجا که هدف اصلی ادیان الهی اصلاح اخلاقیات بشر و ارتقای سطح معنوی آنها و القای اعتقادات صحیح به آنان است، پس می‌توان از جمله اهداف قرارداد ذمه را اصلاح عقاید و اعتقادات و اخلاق افراد، صرف نظر از مسلمان شدن یا نشدن آنها دانست.

۳. ایجاد جامعه‌ای متحد و یکپارچه

از آنجا که همواره اختلاف، موجب تفرقه و تشتت جامعه می‌گردد و اتحاد و یکپارچگی

موجب قدرت، بقا و اقتدار جامعه می‌باشد، هر چند در روابط بین اکثریت و اقلیت و مجبور بودن اقلیت به تبعیت از اکثریت لازم است باید از هرگونه تفرقه پرهیز کرده و زمینه را برای همدلی، اتحاد و دلگرم شدن همهٔ آحاد جامعه اعم از اکثریت و اقلیت به رعایت حقوقشان فراهم نمود.

قرارداد ذمه، ضمن دادن شخصیت به افراد اقلیت آنان را از رعایت حقوقشان مطمئن می‌سازد و به ایجاد محیطی امن و یکپارچه و توأم با همدلی، همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم بین فرقه‌های مختلف مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی کمک می‌نماید.

۴. جلوگیری از تضييع حقوق اقلیت‌ها

اجرای عدالت در جامعه از اهداف ادیان آسمانی و لازمهٔ احترام گذاردن به کرامت و مقام انسان صرف نظر از دین و مذهب آنان است و عدالت به معنای احقاق حقوق افراد است. این امر مستلزم معین و مشخص بودن حدود و ثغور این حقوق است که آن را نیز قانون تعیین می‌کند. لذا حدود وظایف و نیز حقوق اقلیت‌ها در قالب قرارداد ذمه مشخص شده و طبق آن افراد قادر به دادخواهی در دادگاه در صورت تضييع حقوق خود می‌باشند.

۵. جلوگیری از نفوذ بیگانگان و دشمنان به داخل کشور اسلامی

هرگونه دلسردی و نارضائی افراد جامعه و اختلاف و تبعیض اعم از دینی، نژادی و یا طبقاتی، می‌تواند زمینه را برای تلاش داخلی و خارجی جهت ضربه زدن به حکومت آماده کند. دشمن می‌تواند با استفاده از اقلیت‌های ناراضی ساکن کشور به‌خصوص در صورت هم‌کیش بودن با آنها از آنان به عنوان جاسوس و نیروهای نفوذی استفاده کند. اما با همدلی، رفق، مدارا و رعایت حقوق آنان نه تنها این احتمال کاهش می‌یابد بلکه باعث احساس مسئولیت آنان در قبال حکومت اسلامی شده و حتی می‌تواند موجب موضعگیری آنان به نفع مسلمانان در قبال دشمنان گردد.

۶. تجدید قوا برای جنگ با دشمنان اصلی

هر چند جنگ ممکن است گاهی از جهاتی به نفع حکومت اسلامی باشد ولی قطعاً خساراتی را نیز به دنبال خواهد داشت و به تدریج موجب کاهش قوای نظامی و اقتصادی و ... خواهد شد. بنابراین ترک مخاصمه و عقد قرارداد ذمه با اقلیت‌های ساکن کشور علاوه بر ایجاد فرصت تجدید قوا برای حکومت اسلامی، کشور را از پشتیبانی این افراد در دفاع در برابر دشمنان برخوردار خواهد ساخت.

بعد از انعقاد پیمان و میثاق میان اهل ذمه و دولت اسلامی که بعد از آن اهل ذمه به‌عنوان شهروند جامعه شناخته می‌شوند دارای حقوقی می‌باشند که همان حقوق سیاسی و اجتماعی

و قضایی و ... می‌باشد. اما تنها موردی که تبعه غیرمسلمان نیز نسبت به آن تکلیف جدی دارد مساله پرداخت مالیات است که در اسلام تحت عنوان جزیه از اهل ذمه گرفته می‌شود. در واقع جزیه و پرداخت آن نشانه قبول تعهد غیرمسلمان به همزیستی مسالمت آمیز و قبول شرایط برخورداری از حقوق مهمی می‌باشد که در قبال تامین آسایش و امنیت شهروند غیر مسلمان می‌پردازد. برای رسیدن به عدالت در روابط میان مردم و حاکمان و حفظ نظم در اجتماع، لازم است افراد در قبال یکدیگر حقوق و متقابلاً وظایفی داشته باشند. حق، عبارت است از امتیازاتی که برای تعدادی از مردم در برابر دیگران به رسمیت شناخته می‌شود که با ایجاد تکلیف برای گروه دوم، توانایی خاصی به آنان داده می‌شود. (کاتوزیان، ج: ۱، ۳۳) به هر حال مسئله مهم در حقوق شهروندی مساله وفاداری به نفع مصالح عامه است.

از جمله حقوق اهل ذمه در جامعه اسلامی عبارتند از: ۱- حقوق مدنی؛ از مسائل بسیار مهم در اسلام چگونگی رفتار با اقلیت‌های دینی و حقوق آنان می‌باشد. آگاه نبودن برخی افراد از قانون اساسی و و حقوق مرتبط با اهل ذمه از یک سوء و تبلیغات ناروای دشمنان علیه دین اسلام از سوی دیگر این موضوع را در هاله‌ای از ابهام و سردرگمی قرار داده است به طوری که دشمنان اسلام برای محکوم کردن اسلام و دوری و عدم گرایش به این آئین، اسلام را به خشونت متهم می‌نمایند. اما آنچه که واضح است اسلام دین صلح و امنیت بوده و برای اهل ذمه حقوق قائل شده است که حتی کسانی که حقوق آنها را رعایت نکنند مجازات می‌نماید و اجازه هیچ نوع تعرضی را به کسی نمی‌دهد. یکی از مهمترین حقوق اقلیت‌های مذهبی آزادی مذهبی آنها در جامعه اسلامی می‌باشد. بدین معنا که آنها در اعتقادات خود باقی بوده و هیچ کس حق تفتیش و وادار کردن آنها به پذیرش دین اسلام را ندارد. از حقوق دیگر اهل ذمه استقلال قضایی و احکام حقوقی آنها برای پیروان خودشان است و اسلام نیز آنها را به رسمیت می‌شناسد. اسلام تمام حقوق اهل ذمه را همانند شهروندان مسلمان جامعه می‌داند و حتی اجازه کوچکترین ظلمی را بر آنان روا ندانسته و چنانچه حقی از آنان ضایع گردد می‌تواند در محاکم قضایی شکایت نموده و حق خود را استیفاء نمایند. حتی در خصوص دیه غیر مسلمان بنا بر نظر بعضی از فقهای معاصر دیه اهل کتاب را که شهروندان جامعه اسلامی محسوب می‌شوند، مساوی دیه مسلمانان می‌دانند. از جمله این فقها آیت ... مکارم شیرازی و مقام معظم رهبری می‌باشند. از نظر آیت ... مکارم شیرازی، دیه ذمی و مستامن و معاهد، بنا بر احتیاط، دیه کامله است و ولی دم می‌تواند با قاتل مصالحه کند و کفار حربی، مستثنی هستند و دیه زنان، نصف دیه مردان است، همچنان که بنا بر احتیاط واجب، دیه جراحات وارد بر اهل کتاب، مساوی با دیه مسلمان است.

۲- حقوق سیاسی؛ دین اسلام نه تنها در امور مدنی برای اهل ذمه حقوقی را معین و مشخص نموده بلکه در عرصه سیاسی نیز برای آنها حقوقی را مشخص کرده است. حقوقی مانند مصونیت‌ها و حق شرکت در انتخابات و... از مصادیق بارز حقوقی سیاسی اهل ذمه می‌باشد که دین اسلام به آن قائل و از آن حمایت می‌کند. داشتن نمایندگانی در مجلس شورای اسلامی مهمترین حقوق سیاسی است که دولت اسلامی برای غیرمسلمانان در نظر گرفته است. علاوه بر آن ارائه مجوز به تشکل‌ها و سازمان‌های اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور از طرف دولت اقدام مثبت برای این شهروندان می‌باشد که از این طریق، اغلب انجمن‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی- فرهنگی اقلیت‌ها بطور رسمی در ایران فعالیت دارند. در مورد حقوق دیگر آنها حتی در مورد زندانیان این حق وجود دارد که نماینده مذهبی آنها در زندان حضور پیدا کرده و در اجرای آداب و مسائل مذهبی خودشان راهنمایی و ارشاد نماید.

در مورد حقوق مدنی و سیاسی باید این نکته را اذعان نمود که این حقوق به آن دسته از حقوق اساسی انسان اطلاق می‌شود که به حیثیت ذاتی وی توجه دارد و برخورداری از آنها، بستگی به دخالت و حمایت موثر دولت ندارد. مگر اینکه قدرتی مانع از دارا بودن آن حقوق توسط انسان شود. مانند حق حیات که احترام به حق حیات، نه تنها برای مسلمانان بلکه برای غیر مسلمانان ساکن کشور اسلامی اعم از اهل ذمه، مستأمنین و دیگر معاهدین نیز وجود دارد. از حقوق مدنی دیگر حق تابعیت است. حقوقدانان تابعیت را نوعی ارتباط سیاسی و معنوی که فردی را به کشوری مربوط می‌کند. (امامی، ج ۴: ۱۶۰۰)

در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی آمده است: هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد. احدی را نمی‌توان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد. همچنین در بند چهارم ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی مدنی سیاسی آمده است: هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از حق ورود به کشور خود محروم کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل چهل و یکم، تابعیت ایران را حق هر فرد ایرانی دانسته است.

از حقوق مدنی دیگر حق تساوی در برابر قانون است. مساوات در برابر قانون و احکام شرع از اصول بنیادین اسلام است که در سیره پیامبر^(ص) و ائمه معصومین به وضوح دیده می‌شود. هیچکس اعم از اشراف، افراد قبیله و حتی اهل بیت پیامبر در برابر قانون مصونیت نداشته و یا بر دیگران برتری ندارد. چنانکه امیر مؤمنان^(ع) با رضایت کامل به همراه طرف دعوای مسیحی خود به نزد قاضی منصوب خود رفته و از آنجا که ایشان شاهی بر اظهارات خویش نداشتند، قاضی به نفع فرد مسیحی حکم کرد و ایشان با لبخند رأی قاضی را پذیرفتند. در مورد این حق طبق قانون اساسی کشور (بند ۱۴ اصل سوم) نیز به آن اشاره شده است و در ماده ۱۷

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تاکید قرار گرفته است. حق دیگر از حقوق اهل ذمه حق دفاع می‌باشد. حق دفاع آزادانه از خود در برابر ایراد اتهام، گرفتن وکیل، تفهیم اتهام قبل از رسیدگی به آن و دادن مهلت کافی برای جمع آوری مدارک، تهیه دفاعیه و فرا خواندن شهود برای اثبات بی گناهی خود، از دیگر حقوقی است که شهروندان مسلمان و غیر مسلمانان به-طور یکسان از آن برخوردار می‌باشند^۱.

تکالیف اهل ذمه در جامعه اسلامی

غیرمسلمانان در جوامع اسلامی دارای تکالیف، وظایف و تعهداتی در مقابل دولت اسلامی و شهروندان مسلمان دارند که با رعایت این قوانین می‌تواند در جامعه اسلامی زندگی کنند و ملزم به رعایت آنها می‌باشند.

الف) اولین وظیفه آنها احترام به قوانین جامعه اسلامی است. زندگی اجتماعی و تعامل بین افراد و جوامع با یکدیگر بر اساس قراردادهای و قوانین شکل می‌گیرد. کافرانی که با دولت اسلامی پیمان بسته‌اند، باید بر پیمان خود پایبند بوده و بر خلاف آن عمل نکنند. در غیر این صورت، پیمان، شکسته شده و رعایت آن از سوی جامعه اسلامی نیز الزامی نیست. البته هیچگاه نباید نقض عهد از سوی دولت اسلامی آغاز شود. در تاریخ اسلام در خصوص رفتار پیامبر اکرم (ص) در مورد برخورد با غیر مسلمانان و تکلیف آنها بر اساس پیمان‌هایی که بسته شده به بحث منع از جرم و جنایت و ظلم که از مصادیق بارز بی احترامی به قوانین جامعه است کاملاً اشاره شده است. پیمانی که بین یهودیان و مسلمانان بسته شد یهودیان بنی عوف را در حکم یک ملت شمردند و اجازه هرگونه ستم و ظلم را از هر دو طرف غیر مجاز شمرد و در صورت تعدی قصاص می‌نمودند. (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۳۴) در مورد شرایط کنونی جامعه و وضعیت امروز که قرارداد مکتوبی فی مابین اهل ذمه و حکومت اسلامی وجود ندارد وضعیت حقوقی اهل ذمه بر اساس استفتائی که از حضرت امام خمینی^(ع) شده و ایشان در پاسخ سئوالی که صورت گرفته که با توجه به نبود قرارداد ذمه بین جوامع اسلامی با اهل کتاب و عمل نکردن آنان به شرایط ذمه، وضعیت مصونیت آنان چگونه است؟ فرمودند: همین مقدار که آنان در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند، مال و آبرو و جان آنان مصونیت دارد. (فلاح زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۷)

ب) دومین وظیفه غیر مسلمانان عمل به قرارداد با دولت اسلامی است. آنها وظیفه دارند براساس قراردادهای منعقد شده با دولت اسلامی پایبند بوده و از تعهدات خود سرباز نزنند. در زندگی

۱- ماده ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول ۳۵، ۳۴، ۳۲ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اجتماعی تعامل بین افراد جامعه بواسطه قراردادها صورت می‌گیرد. الزام و پایبندی به پیمان و عدم رفتار بر خلاف آن یک موضوع بسیار مهم در روابط با دولت اسلامی است. اگر نقض عهدی از طرف غیر مسلمانان صورت بگیرد دیگر الزامی از طرف جامعه اسلامی هم بر پایبندی وجود نخواهد داشت و این نقض عهد هیچگاه نباید از طرف جامعه اسلامی بوده باشد همچنان که بر اساس تاریخ اسلام این موضوع هیچگاه از طرف پیامبر اکرم^(ص) و ائمه هدی صورت نگرفته است. گواه این موضوع قرارداد صلح پیامبر اکرم با مسیحیان نجران می‌باشد که حضرت عمل به تعهدات و وفاداری به آنها را مشروط به رفتار طرف مقابل و عدم ستمگری آنها نموده و هیچ حقی از آنها ضایع نخواهد شد و تا زمانی که پایبند بوده و راه نیکی را در پیش بگیرند این قرارداد پابرجا می‌ماند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۵۵) اما در خصوص ارتکاب اعمال برخلاف قوانین از طرف اهل ذمه که بر اساس قانون جرم‌انگاری شده و برخورد صورت می‌گیرد. شیخ طوسی این‌طور بیان می‌کند که: اهل ذمه مرتکب اعمالی مانند قتل و زنا و سرقت و... شوند که این اعمال در شریعت خود آنها نیز ممنوع بوده باشد و دین اسلام برای آن جرائم حد تعیین نموده باشد حد الهی باید جاری شود. اما اعمالی که در شریعت آنها مباح بوده و در دین اسلام برای آن حد تعیین شده باشد مانند: نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک تا وقتی که بصورت آشکار نباشد مجازاتی ندارد اما به محض اینکه آشکارا اقدام به این عمل نمایند باید مجازات شوند، ولی نه به صورت حد کامل بلکه به صورت تعزیری که حاکم شرع مصلحت بداند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۷۳)

ج) سومین وظیفه غیر مسلمانان همکاری نکردن با دشمنان مسلمانان می‌باشد. حفظ منافع و مصالح ملی، اقتضا دارد که همه شهروندان جامعه اسلامی؛ اعم از مسلمان و غیر مسلمان به مصالح ملی خود وفادار باشند و از هر عملی که موجب تقویت دشمنان و آسیب دیدگی امنیت جامعه اسلامی می‌شود، خودداری کنند. در رعایت این شرط، مسلمانان و غیر مسلمانان با هم برابرند؛ چرا که شرط زندگی مسالمت‌آمیز در یک جامعه، همکاری متقابل بین آحاد شهروندان و نفی تعامل با دشمنان است.

د) چهارمین وظیفه آنها پرداخت مالیات یا جزیه می‌باشد. شهروندان مسلمان در جامعه اسلامی، به‌گونه‌های متفاوتی در مقابل استفاده از خدمات و تسهیلات اجتماعی، در تأمین مخارج دولت سهیم می‌شوند و با پرداخت وجوهی به عنوان خمس، زکات، صدقه و مالیات سرانه، دولت اسلامی را در اداره اجتماع کمک می‌کنند از این رو کافر ذمی در مقابل استفاده از خدمات جامعه اسلامی باید جزیه پرداخت کند. بر اساس آیه شریفه: حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ (توبه/آیه ۲۹) دریافت جزیه از اهل کتاب در واقع به جهت تأمین هزینه حمایت از جان و مال و امنیت آنان از سوی

حکومت اسلامی است. در پرداخت جزیه و شرایط جزیه دین اسلام رعایت حال و شان اهل ذمه را نموده و در خیلی از موارد شرایطی را در جهت رعایت حال و شان آنها نموده است. شرایطی مانند: عدم پرداخت کودکان و زنان و تهدیدستان و همچنین معافیت از پرداخت مالیات در صورت پرداخت جزیه و نیز عدم شرکت در جنگ و تامین امنیت آنها که در جهت کمک و رعایت حال آنها قرارداده شده است. متأسفانه عده‌ای در جهت ایجاد شبهه و ایراد شبهه‌اتی مانند تحقیر و توهین به اقلیت‌های مذهبی بواسطه پرداخت جزیه و یا ثروت اندوزی دولت اسلامی بواسطه آن سعی در از بین بردن و ایجاد تفرقه و خدشه‌دار کردن این اصول اسلام را دارند. در حالیکه دولت اسلامی به هیچ وجه دنبال توهین و باج خواهی از اهل ذمه نبوده است. از دیدگاه اسلام در واقع جزیه، منبع مالی اداره امور مربوط به اهل ذمه است و در جهت حمایت و دفاع از حقوق آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۴۰) این موضوع حتی از نظر علمای اهل تسنن مانند فخر رازی، هدف از دریافت جزیه را حفظ جان کافران و دادن فرصت به آنان برای آشنایی با زیبایی‌ها و قدرت براهین اسلام و فراهم کردن زمینه برای پذیرش اسلام می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۳۲)

برخی فقها وظایف اقلیت‌ها بر اساس قرار داد ذمه را شش مورد ذکر کرده‌اند:

پرداخت جزیه

مستند قرآنی تشریح این حکم و همچنین تسمیه آن، آیه ۲۹ سوره توبه می‌باشد: با کسانی از اهل کتاب که به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند و آنچه را خدا و رسول او حرام کرده حرمت نمی‌نهند و به دین حق متدین نیستند بجنگید تا زمانی که جزیه را خاضعانه به دست خویش بدهند.

عن ید: علامه طباطبایی دو معنا را احتمال داده‌اند:

(الف) ید جارحه به این معنا که از دستشان بگیرید.

(ب) ید قدرت و نعمت و استیلا به معنای این که همراه با قدرت و سلطه بر آنان می‌باشد. و هم صاغرون: علامه طباطبایی می‌فرماید: ای خضوعهم للسنّة الاسلامیة و الحکومة الدینیة لا لإهانتهم و السخریة بهم من جانب المسلمین أو اولیاء الحکومة الدینیة. فإن هذا لایحتمله لا السکینه و الوقار الإسلامی. یعنی خضوع آنان در برابر سنت اسلامی و حکومت دینی، نه به دلیل اهانت و سخره نسبت به آنها از سوی مسلمین یا اولیاء حکومت دینی. چرا که چنین امری را سکینه و وقار اسلامی بر نمی‌تابد.

۲- التزام به احکام اسلام

این شرط نیز از شروط اساسی قرارداد ذمه به شمار می‌رود و اکثر دانشمندان مسلمان این

شرط را مستفاد از آیه شریفه: حتی يعطوا الجزیة عن یدٍ و هم صاغرون. می‌دانند و صغار را به معنای خضوع و فروتنی (توأم با رضایت) در برابر حکومت اسلامی معنا کرده‌اند. (مانند علامه حلی در منتهی‌المطلب ج ۲: ۹۶۷-۹۶۹) علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان درباره اهل ذمه می‌فرماید: مقصود از اینکه با کمال ذلت جزیه بپردازند این است که مانند سایر جوامع نمی‌توانند در برابر جامعه اسلامی صف آرائی و عرض اندام کنند و آزادانه در انتشار عقاید خرافی و هوی و هوس خود به فعالیت بپردازند و عقاید و اعمال فاسد و مفسد جامعه بشری خود را رواج دهند، بلکه باید با تقدیم دودستی جزیه همواره خوار و زیر دست باشند و در برابر حکومت جامعه اسلامی تسلیم باشند. (علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹: ۳۲۳)

۳- ترک عمل منافی با امان

از مهمترین حقوقی که اهل ذمه بواسطه قرار ذمه از آن برخوردار می‌گردند، استفاده از امنیت کشور اسلامی است و مقتضای امنیت و تداوم آن این است که مانند دیگر اتباع کشور اسلامی از انجام هر گونه عملی که به امنیت کشور آسیب برساند بپرهیزند و در صورت انجام چنین اعمالی باید مانند دیگران مجازات شوند.

از جمله مصادیقی که برای این مورد ذکر شده، هرگونه مشارکت در جنگ با مسلمانان، امداد مشرکان، جاسوسی به نفع دشمنان، راه دادن و جادادن جاسوسان دشمن در خانه خود و نظایر این موارد می‌باشد. (شیخ بهائی: ۱۴۲، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲: ۲۷۱، محقق حلی، ج ۱: ۱۲۹) اکثر فقها معتقدند اگر این شرط در قرارداد ذکر نشود، رعایت آن لازم و مخالفت با آن ناقض قرار داد ذمه است. (علامه حلی، ج ۲: ۹۶۹) و به قول شیخ طوسی: شرط الذمة یقتضی أن یکونوا فی أمان من المسلمین و المسلمون فی أمانٍ منهم. شرط ذمه اقتضا می‌کند که اهل کتاب از سوی مسلمین و مسلمین از سوی آنان در امان باشند. (شیخ طوسی، ج ۲: ۴۳) لذا امان دو طرفه است و در صورت انجام عملی بر خلاف آن، قرار داد نقض خواهد شد.

۴- عدم اظهار منکرات در کشور اسلامی

ارتکاب اعمالی که از نظر مسلمانان حرام و ممنوع می‌باشد توسط اقلیت‌ها، حتی اگر از نظر خودشان جایز باشد بصورت علنی، ممنوع بوده و در صورت انجام آن مجازات خواهند شد. البته انجام این اعمال - مانند شرب خمر - در میان خودشان و به صورت غیر علنی بلا اشکال بوده و جرم محسوب نمی‌شود. امام صادق^(ع) می‌فرماید: پیامبر^(ص) از اهل ذمه جزیه را قبول می‌کرد به شرط اینکه ربا نخورند، گوشت خوک نخورند و با خواهران و دختران برادران و خواهران خود ازدواج نکنند، پس هر فردی از آنها این امور را مرتکب شود، پناه خداوند ورسولش از او برداشته می‌شود. (شیخ طوسی، ج ۶)

اموری که از نظر اهل ذمه گناه محسوب نمی‌شود نیز چنانچه از نظر اسلام جرم و ممنوع باشد، باید در ملأ عام از انجام آنها پرهیز کنند زیرا در صورت اشاعه چنین اعمالی در جامعه اسلامی حتی از سوی غیر مسلمانان، قبح و بزرگی گناه در نظر عامه کاسته شده و ممکن است موجب جرأت بر گناه از سوی برخی از مسلمانان شود. لذا اقیلت‌ها نیز باید همچون مسلمانان مراعات قوانین و احکام اسلامی را بنمایند.

۵- عدم اقدام علیه مسلمانان

که عبارتند از:

- اقدام علیه جان فرد مثل کشتن وی و ایراد ضرب و جرح به جسم فرد
- اقدام علیه آبرو و ناموس افراد
- اقدام علیه اموال آنان
- اقدام علیه دین مسلمانان
- اقدام علیه کیان کشور اسلامی

این شرط نیز از شرایط توافقی قرارداد بوده و حتی در صورت عدم تصریح و در صورت تخلف از آن، احکام جزائی اسلام در مورد آنها اعمال و در دادگاه‌های قضائی رسیدگی می‌گردد.

۶- عدم احداث معابد، زدن ناقوس و احداث ساختمان‌های بلند مرتبه

علیرغم آزادی اهل کتاب در حفظ دین خود و انجام فرائض و مراسم و شعائر دینی خود، انجام برخی از اعمال را که تعظیم شعائر و تبلیغ مذهبی آنان محسوب می‌شود و ممکن است موجب انحراف مسلمین از دین خود شود، ممنوع است. از جمله این اعمال: ساختن معابد (نوساز) نواختن ناقوس، منحرف ساختن مسلمانان از دین خود و انجام تبلیغات مذهبی در کشور اسلامی می‌باشد.

از جمله مواردی که در قرارداد ذمه ذکر می‌شود، ممنوعیت بلندتر ساختن ساختمان‌های اهل کتاب از ساختمان‌های مسلمانان که در مجاورت آنها قرار دارند، می‌باشد. احتمال دارد علت این حکم، وجود احتمال جاسوسی، سوء استفاده و اطلاع بر اسرار مسلمین در صورت اشراف داشتن بر ساختمان‌های آنها باشد.

نکته قابل ذکر اینکه این شرط، تنها به دلیل مراعات حق همسایگان نیست تا با رضایت آنها قابل اغماض باشد بلکه این منع را دین اعلام کرده و رضایت آنها موثر در رفع ممنوعیت نمی‌باشد. (شهید ثانی، ج ۳: ۷۹) بعضاً شرایط دیگری نیز برای ذمه ذکر شده است که گاه با دیگر شرایط تداخل دارد و گاه می‌توان آن را شرط مستقل دانست که می‌توان به دو شرط: مشارکت با مسلمانان در هزینه‌های جنگی و عدم ورود به مساجد و اماکن متبرکه اسلامی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

از نظر متون اسلامی، شرط مهم و اساسی در جهت همزیستی بین مسلمانان و غیر مسلمانان عمل به پیمان‌ها و قراردادهای و حرمت گذاشتن به آنها می‌باشد. طبق آیات قرآن کریم و سنت رسول خدا (ص) و ائمه معصومین همه غیرمسلمانان دارای کرامت انسانی بوده کسی حق بی احترامی به این کرامت ذاتی را ندارد و غیر مسلمانان در دولت اسلامی دارای آزادی‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و قضایی می‌باشند. این آزادی‌ها مشروط به احترام متقابل آنها به قوانین و مقدسات دینی بوده و علیه دولت اسلامی با دشمنان توطئه و همکاری ننمایند. اقلیت‌های مذهبی در ایران همانند شهروندان دارای حقوق و آزادی‌هایی می‌باشند و در قوانین اسلامی و قانون اساسی کشور ایران نیز در ارتباط با اقلیت‌ها اصولی بیان شده که بیانگر اهتمام دولت اسلامی به جایگاه و حقوق ایشان بوده و حتی نشانگر تسامح کلان قوانین اسلامی در رابطه به آنها می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

منابع فارسی

کتاب

- امامی، سید حسن (۱۳۵۰)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه
- ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حمید ا...، محمد، (۱۳۸۰)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق دکتر سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی
- طباطبایی، سید محمدحسن (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی، همدان، قم: انتشارات اسلامی
- فلاح زاده، محمد حسین (۱۳۷۹)، احکام فقهی در سفرهای خارجی، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، انسان در قرآن (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی)، جلد ۴، تهران: انتشارات صدرا

مقاله

- آریا منش، بشیر (۱۳۹۰)، حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴

اسناد

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۰ دسامبر
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون فعالیت احزاب، ۱۳۶۰
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، عهدنامه سازمان ملل، ۱۶ دسامبر

منابع عربی

- ابن کثیر (۱۴۰۸)، البدایه و النهایه، بیروت: دار احیاء التراث
- ابن هشام الحمیری، محمد بن اسحاق بن یسار المطلبی (۱۳۸۳ق)، سیره النبی، تحقیق محمد عبد الحمید، بی‌جا، مکتبه محمدعلی صبیح

- حرالعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، وسایل الشیعه، قم: آل بیت
- شیخ طوسی، محمدبن حسن بن علی بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران: کتابخانه مرتضوی
- شیخ صدوق، محمدبن علی بابویه قمی (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- عاملی جبعی، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمد باقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۷۸)، المبسوط فی فقه الامامیه (۸جلدی)، مصحح سید محمدتقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ ۳
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۷۸ق)، تهذیب الاحکام، قم: دارالکتب الاسلامیه
- علامه حلی، مال الدین ابومنصور (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ ۳
- فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵)، مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- محمدبن عزالدین، عاملی (بهایی) (۱۴۲۹ق)، جامع عباسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم

English Resources

- Caporti F. (1985), **Minorities, in: Encyclopaedia of Public International Law**, Else vies Science Publisher, North-Holland
- Lerner, Natan (1991), **Group Rights and Discrimination in International Law**, MartinusNijhoff.
- Thamberry, Patrick (1995), **International Law and the Rights of Minorities**, Oxford University Press

Documents

- Charter of the United Nations ,1945
- Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic Religious and Linguistic Minorities,1992
- European Convention on Human Rights,1949